

سنخ‌شناسی جرایم تعزیری تحت صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی

محسن پورجعفر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۸

سید علی جبار گل‌باغی ماسوله^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

طیبه قدرتی سیاهمزیگی^۳

چکیده

ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی، دامنه ی جرایم تعزیری را به وجه سلبی عدم شمول عنوان حد، دیه و قصاص، تعیین کرده است. در رسیدگی به جرایم تعزیری، این واقعیت، قابل ملاحظه است که افزون بر محاکم کیفری، که به طور طبیعی، صلاحیت رسیدگی به جرایم تعزیری را دارد، سازمان تعزیرات حکومتی، مرجع و نهاد دیگری است که صالح رسیدگی به برخی از جرایم تعزیری است. قانونگذار، حدود مسئولیت و حوزه های عمل این دو نهاد را تفکیک و مشخص کرده است؛ آن دسته از جرایم تعزیری در صلاحیت رسیدگی شعب سازمان تعزیرات حکومتی است که عموماً، مربوط به اصناف و دارای جنبه ی اقتصادی هستند و نوعاً، در دایره ی مسئولیت سازمان دیگری قرار ندارد. به نظر میرسد، بند ب ماده ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی که بر شیوه ی ارتکاب جرم، گستره ی نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن، إشعار دارد، شاخص و ممیزی برای سنخ‌شناسی جرایم تعزیری است. جستار حاضر با بررسی مواد قانونی و قواعد حقوقی، مترصد تبیین سنخ‌شناسی جرایم تعزیری تحت صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است.

کلمات کلیدی: جرم تعزیری، سنخ‌شناسی جرم، سنخ‌شناسی جرم تعزیری، صلاحیت شعب تعزیرات، سازمان تعزیرات حکومتی.

^۱ دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران Mohsen.pourjafar@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول) Pm.sadra87@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران Ghodrati.t@gmail.com

۱- مقدمه

قانونگذار ایرانی در مواد: ۱۵ تا ۱۹ قانون مجازات اسلامی، انواع جرایم را بیان ساخته است. قانون مجازات اسلامی، عهده دار بیان احکام چهار نوع مجازات: حد، قصاص، دیه و تعزیر است که البته، هر نوع از مجازاتهای مذکور، دارای ویژگیهای مختص به خود است. از جمله جرایم، جرایم تعزیری است. هر چند، قاعدتاً، رسیدگی به همهی جرایم، در صلاحیت دادگاههای کیفری است، ولی، برخی از جرایم تعزیری هستند که قانونگذار، خلاف قاعدهی مذکور، رسیدگی به آن جرایم را در صلاحیت مرجع و نهاد خاصی، به نام سازمان تعزیرات، قرار داده است. این جرایم که نوعاً، صنفی و دارای جنبهی اقتصادی است، تخلف تعزیراتی نامیده میشوند. به جهت فقدان آیین دادرسی مدونی برای سازمان تعزیرات حکومتی، شعب سازمان تعزیرات، به همان روش و آیین و قواعدی به جرم تعزیری رسیدگی میکنند که مراجع کیفری به جرایم رسیدگی میکنند. وجود صلاحیت سازمان تعزیرات در کنار محاکم کیفری، برای رسیدگی به برخی از جرایم تعزیری، تداخل و تعارض میان دو دو نهاد صالح برای رسیدگی به جرایم تعزیری را سبب میشود و از این رو، جستار حاضر میکوشد در پژوهشی نظری، به شیوهی توصیفی تحلیلی، از طریق سنخ شناسی جرایم تعزیری، به تبیین قاعدهی رفع تعارض صلاحیت محاکم قضایی در قیاس با سازمان تعزیرات حکومتی میپردازد.

۲- پیشینهی تحقیق

در خصوص موضوع سنخ شناسی جرایم تعزیری ذیل صلاحیت محاکم کیفری، تحقیقات مشابه و مرتبطی انجام یافته است که مختصراً گزارش میشود:

الف) عسگری و یوسف زاده (۱۳۹۴) در جستار خود با مضمون: رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری، به دامنهی تفاوتهای میان این محاکم میپردازد. این مقاله، به بیان مرزبندی دقیق صلاحیتهای ذاتی شعب تعزیرات مقابل دادگاههای دادگستری و حوزهی مشترک صلاحیت میان این دو مرجع و در صورت تعارض صلاحیت، مرجع رفع تعارض و اینکه اساساً، شعب تعزیرات حکومتی عهده دار برخی خصوصیتهای دادگاههای دادگستری در امور حقوقی و کیفری شدهاند و تأثیر پیدایش شعب تعزیرات حکومتی بر گسترهی صلاحیتهای دادگاههای دادگستری مورد مطالعه و بررسی قرار میدهد که به تعبیر قانون اساسی مرجع رسمی رسیدگی به تنظیمات و شکایات هستند.

ب) میرزایی یزدی و موسوی (۱۳۹۹) در مقالهی خود با عنوان: تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفر زدایی، بیان میدارند: با توجه به ناکارآمد بودن مجازات زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل آسیبهای ناشی از آن که موجب افزایش جمعیت کیفری زندانها شده است، دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از مجازات را تا حد امکان محدود کنند؛ بر این اساس، با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی، موادی را در راستای مجازات جایگزین، مقرر کرده است، لیکن به علت کاستی و نقص، از کارایی به سزایی برخوردار نبوده است. بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری، با هدف کیفر زدایی در تاریخ: ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید.

این قانون، ضمن کاستن از مجازات نه فقط زندان برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها، مانند: جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع به جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزینهای حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاهها را تغییر داد. نویسندگان مقاله، با بررسی قانون مذکور و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی، به بیان تأثیراتی پرداختند که قانون مذکور، بر کیفر زدایی دارد، تا برتری این قانون را به اثبات برساند.

ج) الهام و کربلایی حاجی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان: دادرسی کیفری در تعدد معنوی؛ قواعد، ابهامات، راه حلها، با تمرکز بر جرایم تعزیری، بیان میدارند: به دلیل اینکه احکام بر عناوین، مترتب میگرددند نه بر رفتار، باید عنوان مجرمانه، ملاک در دادرسی باشد. حال، در تعدد معنوی، برای تعیین اینکه کدام عنوان مجرمانه ملاک است، با استفاده از احکام ماهوی تعدد معنوی، باید گفت: در جرائم تعزیری، عنوان مجرمانه اشد مد نظر قرار میگیرد و در مواردی که قانونگذار، در تعدد معنوی، حکم به جمع مجازات کرده است، مانند: تعدد عناوین حدی و قصاص و تعزیری، باید تمامی عناوین مجرمانه، رسیدگی شود.

۳- تعزیر

طبق قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای اصلی، به چهار دسته تقسیم میشود: قصاص، دیه، حد و تعزیر. هر یک از این چهار نوع مجازات اصلی، دارای شرایطی هستند که اعمال هر کدام، به تحقق آن شرایط، بستگی دارد. تعزیر، یکی از انواع چهارگانه مجازات اصلی است که قانونگذار، برای جرائم تعزیری، تعیین کرده است. جرایم تعزیری، دستهای از محرمات شرعی هستند که در شرع، مجازاتی برای آنها تعیین نشده است و قانونگذار، ارتکاب آنها را جرم دانسته است و برای آنها، مجازات در نظر گرفته است و همچنین، دستهای از اعمال و رفتارهایی هستند که با توجه به وضعیت جامعه، جرم انگاری شده‌اند و دارای ضمانت اجرای مشخص هستند.

به لحاظ فقهی، تعزیر به نظر امام واگذار شده است و در هر جنایتی اجراء میشود که حد شرعی ندارد و عبارت است از زدن، زندان و توبیخ، ولی قطع عضو یا ایجاد جراحت یا گرفتن مال جایز نیست (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲/۲۳۹).

یکی از معانی تعزیر، تأدیب است، پس می‌توان آن را به نحو گسترده‌ای توسعه داده و شامل زندان، مجروح کردن، و توبیخ کردن و بسیاری موارد دیگر دانست (مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۱۶۳/۶؛ صدر، ۱۴۲۰: ۱۱۵/۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۵۹/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۶۳؛ منتظری، ۱۳۷۹: ۴۷۱/۳)؛ از این رو، مجازات تعزیری، به تازیه، منحصر نیست و سایر مجازاتها را مانند: حبس و جزای نقدی را دربرمیگیرد که در برخی روایات آمده است. نتیجه‌ی پذیرش قول اخیر، این است که در نظام کنونی مجازاتها در حقوق کیفری ایران، حبس و جزای نقدی، تعزیر رایج را تشکیل داده‌اند.

میان روایاتی که در باره موضوعات مختلف سیاست کیفری اسلام وارد شده است، روایاتی وجود دارد که منطوق آنها تصریح میکند که معصیت‌کار باید عقوبت عملش را ببیند، ولی در این روایات، هیچ اشاره‌ای به ضرب و تازیه نشده است. با توجه به ظهور عقوبت در مطلق مجازات، می‌توان دریافت که تعزیر، به تازیه،

منحصر نیست (ریاحی، ۱۳۹۷: ۴۵)؛ از جمله‌ی این اخبار، روایتی است که حسین بن علوان از امام صادق(ع) نقل کرده است که امام صادق(ع) فرموده است: از امیرالمؤمنین(ع) درباره‌ی حکم مجازات کسی سؤال شد که با حیوان آمیزش کند. حضرت فرمودند: سنگسار کردن و حد بر وی نیست، ولی به شکلی دردناک کیفر می‌شود (حمیری، ۱۴۱۳، ۱۰۴؛ طباطبائی بروجردی، ۱۳۸۶، ۷۵۲/۳۰). یکی دیگر از آن اخبار، روایتی است که امام صادق(ع) فرمودند: اگر مردی به مرد دیگری بگوید: تو پلیدی و تو خوکی، در این سخن، حد نیست، ولی در آن، پند دادن و مقداری کیفر است (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۴۱/۷؛ طباطبائی بروجردی، ۱۳۸۶: ۸۳۲/۳۰).

در روایات یادشده به جای تعزیر، واژه‌ی عقوبت، به کار رفته است و عقوبت، مفهوم عامی دارد که شامل سرزنش، تهدید، توبیخ، زدن با چوب یا تازیانه، حبس و غیر از این‌ها می‌شود (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۱۹۱/۱؛ فراهیدی: ۱۴۰۵، ۱۸۰/۱)؛ بنابراین بر اساس این روایات، تعزیر مجرم همان عقوبت کردن او است که شلاق فقط یکی از مصادیق آن است.

به این اعتبار است که ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات جرایم تعزیری را به ۸ درجه، تقسیم بندی کرده است و هر درجه، مشمول حبس، جزای نقدی و یا سایر مواردی نظیر: شلاق، مصادره کل اموال، انحلال شخص حقوقی، محرومیت موقت یا دائم از اشتغال به مشاغل دولتی و عمومی، ممنوعیت از اشتغال به یک یا چند شغل برای مدت دائم یا موقت، ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری، ممنوعیت از دعوت به افزایش سرمایه برای شخص حقوقی و محرومیت از حقوق اجتماعی میشود که تمامی این موارد، از انواع مجازات تعزیری محسوب است.

بر اساس تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی، در تعیین مجازات جرایم تعزیری، مواردی چند لحاظ شوند؛ انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، از جمله مواردی که هنگام تعیین مجازات در نظر گرفته میشود، اینکه انگیزه مرتکب از ارتکاب جرم چه بوده و در زمان ارتکاب به جرم، چه حالت و وضعیت روانی داشته است. داشتن انگیزه شرافتمندانه و یا حالت جنون، میتواند در تعیین حداقل مجازات مؤثر افتد.

شیوه‌ی ارتکاب جرم، گستره‌ی نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن، از دیگر مواردی است که در تعیین مجازات تعزیری، مؤثر است. اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، در تعیین مجازات تعزیری آن، مؤثر است و میتوانند سبب حکم، به حداقل یا حداکثر مجازات شود.

سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی، جایگاه اجتماعی فرد مرتکب، تاثیری که اعمال مجازات، میتواند بر شخصیت وی و تنبیه و اصلاح او بگذارد و سوابق کیفری او نیز از دیگر موارد مؤثر بر تعیین تعزیر هستند (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

۴- سازمان تعزیرات

فلسفه وجودی سازمان تعزیرات حکومتی، تنها، رسیدگی به تخلفاتی است در حیطه کار اصناف و در اموری مانند: تغذیه و دارو است و قطعاً، تخلفات راهنمایی رانندگی و یا شبیه آن را شامل نمیشود؛ هر چند که بر آنها عنوان تخلفات تعزیری نام نهند.

مستنبط از ماده ۵۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری که اجرای آراء لازم الاجراء مراجع کیفری را در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم، بر عهدهی معاونت اجرای احکام کیفری نهاده است، این است که حکم مذکور، به تعزیرات حکومتی نیز قابل تسری است و از این رو، در تعزیرات حکومتی نیز اجرای آراء بر عهدهی شعب اجرای احکام است.

شعب بدوی سازمان تعزیرات حکومتی، در پی دریافت گزارش از سازمان‌های بازرگانی، اتحادیه و واحدهای بازرسی و نظارت مجامع امور صنفی، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کنندگان، سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی و نیز شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی، شروع به رسیدگی میکنند.

به هنگام وصول شکایت از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی و نیز دریافت گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی، دولتی و انتظامی، شعب بدوی، یک نسخه از گزارش ارایه شده را به سازمان بازرگانی ارسال می کنند تا حداکثر ظرف ۱۵ روز، نظرات کارشناسی خود را به شعبه مربوط اعلام دارد.

امکان طرح شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی در شعب بدوی تعزیرات، در کنار مزایای آن، با این اشکال همراه است که مانع از رجوع مردم به انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کنندگان است و به نوعی، فلسفه تشکیل این انجمن‌ها را زیر سؤال میبرد.

تشخیص صلاحیت و یا عدم صلاحیت هر شعبه، نسبت به پرونده‌ای که به آن ارجاع میشود، با همان شعبهای است که پرونده به آن، ارجاع شده است. همچنین، شعبه رسیدگی کننده به تخلف مباشر تخلف تعزیراتی، صالح به رسیدگی به تخلف شرکاء و معاونان آن تخلف تعزیراتی صورت گرفته است و در صورت وجود تخلفات متعدد از یک نفر، شعبه رسیدگی کننده سازمان تعزیرات، به تمامی آنها، توأمان و یکجا رسیدگی می کند.

چنانچه شخصی در چند حوزه، مرتکب تخلف تعزیراتی شود، در حوزه کاری شعبهای از سازمان تعزیرات، به تخلفات تعزیری وی رسیدگی می شود که تخلف شدیدتر، در آن حوزه کاری، صورت گرفته است و اگر تخلفات تعزیراتی، از یک درجه باشند، در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی، به پروندهی تخلفات تعزیراتی، رسیدگی میشود و مرتکب تخلف، به مجازات هر یک از عناوین مختلف ارتكابی، محکوم میشود (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۸: ۳۰۴).

محدوده عمل شعب بدوی و تجدیدنظر سازمان تعزیرات، بر اساس آیین نامه این سازمان، تخلفات موضوع قانون سازمان تعزیرات حکومتی است که شامل مواردی از قبیل: گران فروشی، کم فروشی، غش و تقلب، احتکار، عرضه کالا، خارج از شبکه، عدم درج قیمت، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، عدم صدور فاکتور، عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان، قبال دریافت ارز و خدمات

دولتی، نداشتن پروانهی کسب واحدهای صنفی، نداشتن پروانهی بهره برداری واحدهای تولیدی، فروش ارزی، فروش اجباری و عدم اعلام موجودی کالا است.

با توجه به پیش بینی راه‌های جدید طرح شکایت در این مرجع، باید صلاحیت این شعب را فراتر از تخلفات مذکور در قانون تعزیرات، در نظر گرفت و آن را شامل موارد مذکور در قانون نظام صنفی و آیین‌نامه اجرایی آن نیز دانست.

شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلف هستند متهم را برای حضور در جلسه رسیدگی و ارائه‌ی دفاعیات، احضار کنند؛ اما در صورتی که متهم، با وجود ابلاغ احضاریه، در وقت مقرر، در شعبه، حضور پیدا نکند، شعبه، به رسیدگی و صدور رأی غیابی، اقدام میکند؛ البته، پیش از جلسه رسیدگی و در صورت وجود شواهد و قراینی که از توجه اتهام به متهم، حکایت کند، شعبه‌ی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به وضع متهم، یکی از قرارهای کیفری را صادر کند، در صورتی که به بازداشت متهم، منجر نشود.

در تمامی مراحل رسیدگی، طرفین پرونده، حق استفاده از وکیل را دارند. حقوق و تکالیف وکلاء، مطابق مقررات مربوط به وکالت است. آرای شعب سازمان تعزیرات، باید به مواد قانون و مقررات مربوط، مستند باشد. مقدمه‌ی آرای نیز باید حاوی گردش کار و شرح تفصیلی تخلفات باشد و متن آراء هم باید متضمن میزان دقیق تخلف و نحوه‌ی محاسبه و احراز آن، توسط شعبه‌ی صادرکننده رای باشد. آرای صادره از شعب تجدید نظر سازمان تعزیرات نیز باید واجد همین ویژگی باشند.

شعب بدوی مکلف هستند، طبق قوانین و مقررات جاری و در حدود صلاحیت‌های قانونی رسیدگی به تخلفات افراد صنفی و غیرصنفی، در صورت عدم فسخ معامله و مطالبه‌ی خسارت ناشی از مصرف همان کالا یا خدمات، افزون بر حکم به مجازات قانونی، میزان خسارت ناشی از وقوع تخلف را در رأی، قید کنند و محکوم^{۱۱} علیه را به پرداخت آن، مکلف کنند.

همچنین در صورت وجود عیب یا نقص در کالا و خدمات، شعبه‌ی رسیدگی کننده، باید موضوع را به کارشناس ذی صلاح ارجاع دهد. آرای این شعب، در خصوص تخلفات صنفی، در مواردی که مجازات پیش بینی شده در قانون، برای هر بار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی است، نسبت به محکوم^{۱۲} علیه، قطعی است.

رؤسای سازمان‌های حمایت و تعزیرات حکومتی، اعضای کمیسیون هماهنگی امور سازمان تعزیرات حکومتی در استان و شهرستان مربوط، شاکی حقیقی و حقوقی و یا وکیل قانونی آنان، در صورت براءت، یا منع پیگرد و یا در مواردی که جبران خسارت وارد شده در حکم، لحاظ نشده است، محکوم^{۱۳} علیه حقیقی و حقوقی و یا وکیل قانونی آنان، رئیس انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مربوط، در صورتی که انجمن، مرجع شکایت است، رئیس شورای اصناف و رئیس مجمع امور صنفی، در صورتی که اتحادیه و یا مدیر بازرسی و نظارت اصناف مرجع شکایت است، اشخاصی هستند که حق تجدید نظرخواهی از آرای شعب بدوی سازمان تعزیرات را دارند. مهلت تجدید نظرخواهی برای محکوم^{۱۴} علیه و شاکی ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ و نسبت به سایر اشخاص ۳ ماه از تاریخ ابلاغ است (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۶: ۷۰).

سازمان تعزیرات حکومتی، در شمار مراجع شبه قضایی است و از این رو است که زیر مجموعه‌ی قوه‌ی قضاییه نیست و از زیر مجموعه‌های وزارت دادگستری و قوه‌ی مجریه به شمار می‌آید و چون، سازمان تعزیرات حکومتی، مرجع شبه قضایی است، آرای شعب بدوی یا تجدید نظر آن، در فروعی که قانوناً، قابلیت اعتراض را دارند، در دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی هستند.

تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر شعبه نسبت به پرونده‌ای که به آن ارجاع شده، با همان شعبه است. همچنین همین شعبه صالح به رسیدگی به تخلفات شرکا و معاونان تخلف صورت گرفته است و در صورت وجود تخلفات متعدد از یک نفر، به تمامی آنها، توأمان و یکجا رسیدگی می‌شود؛ بنابر این، چنانچه شخصی در چند حوزه، مرتکب تخلف شود، در حوزه‌ای به تخلف وی رسیدگی می‌شود که تخلف شدیدتر در حوزه کاری آن صورت گرفته است و اگر تخلفات از یک درجه باشد، در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی به پرونده رسیدگی میشود و به مجازات هر یک از عناوین مختلف ارتكابی، محکوم میشود.

شعب تعزیرات مکلف هستند متهم را برای حضور در جلسه رسیدگی و ارائه‌ی دفاعیات احضار کنند؛ اما در صورتی که متهم با وجود ابلاغ احضاریه، در وقت مقرر در شعبه حضور پیدا نکند، شعبه، به رسیدگی و صدور رأی غیابی، اقدام میکند. چنانچه پیش از جلسهی رسیدگی، وجود شواهد و قراین، از توجه اتهام به متهم، حکایت کند، شعبهی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به وضع متهم، یکی از قرارهای کیفری را صادر کند؛ مشروط بر اینکه به بازداشت متهم منجر نشود (شاه بیگی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

۵- صلاحیت رسیدگی

تعیین صلاحیت به سه عنصر صنف، نوع و درجه، وابسته است. مفهوم صنف، تعیین این امر است که کدام مرجع حقوقی، کیفری و یا اداری باید رسیدگی را انجام دهد و مفهوم نوع، یعنی اینکه مرجع رسیدگی مزبور، مرجعی عمومی یا اختصاصی است. مرجع عمومی و خصوصی، از لحاظ صلاحیت، با یکدیگر تفاوت دارند؛ چه اینکه مرجع عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیهی امور را دارد، مگر اموری که صراحتاً، در صلاحیت مرجع دیگر قرار گرفته است و متقابلاً، مرجع اختصاصی، صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند، مگر اینکه صراحتاً، امور معینی، در صلاحیت آن قرار گیرد. منظور از درجه نیز تعیین این نکته است که رسیدگی در صلاحیت مرجع بدوی است یا مرجع تجدید نظر.

تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر شعبه، نسبت به پرونده‌ای که به آن ارجاع شده، با خود همان شعبه است. همچنین، شعبهی صالح به رسیدگی به تخلف مباشر، صالح رسیدگی به تخلفات شرکاء و معاونان تخلف صورت گرفته است و در صورت وجود تخلفات متعدد از یک نفر، به تمامی آنها، توأمان و یکجا رسیدگی می‌شود؛ بنابر این، چنانچه شخصی در چند حوزه، مرتکب تخلف شود، در حوزه‌ای به تخلف وی، رسیدگی می‌شود که تخلف شدیدتر در حوزه کاری آن صورت گرفته است و اگر تخلفات، از یک درجه باشد، در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی، به پرونده رسیدگی میشود و متخلف مذکور، به مجازات هر یک از عناوین مختلف ارتكابی محکوم میگردد.

شعب تعزیرات مکلف هستند متهم را برای حضور در جلسه رسیدگی و ارائه‌ی دفاعیات، احضار کنند و در صورتی که متهم، با وجود ابلاغ احضاریه، در وقت مقرر در شعبه حضور پیدا نکند، شعبه، به رسیدگی و

صدور رأی غیابی، اقدام میکند. چنانچه پیش از جلسهی رسیدگی، وجود شواهد و قراین، از توجه اتهام به متهم، حکایت کنند، شعبه رسیدگی‌کننده می‌تواند با توجه به وضع متهم، یکی از قرارهای کیفری غیر منتهی به بازداشت را برای وی، صادر کند. متهم، در تمامی مراحل رسیدگی به پرونده، حق استفاده از وکیل را دارد (غازانی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

آراء قابل تجدید نظر تعزیرات حکومتی با محاکم دادگستری متفاوت است و صرفاً، آراء شعب بدوی تعزیرات حکومتی در خصوص جزای نقدی، قابل اعتراض و قابل تجدید نظر خواهی است و دربارهی سایر موارد، از جمله: تعطیلی محل کسب، نصب پارچه و قطع سهمیه، آیین نامه مسکوت است که در این خصوص، دو نظر وجود دارد؛ عدهای اعتقاد دارند با توجه به سکوت آییننامه و با توجه به اصل قطعیت آراء، صرفاً، آراء شعب بدوی سازمان تعزیرات، در مواردی که مجازات مقرر قانونی، بیش از یک میلیون ریال است، قابل اعتراض و تجدید نظر خواهی است.

نظر دیگر، این است که به جهت رعایت حقوق محکوم علیه و رعایت اصل تفسیر قوانین و مقررات به نفع متهم، بهتر است اصل، بر قابل تجدید نظر بودن آراء قرار داده شود؛ چرا که گاه، در مواردی، نصب یک پارچه، هر چند به مدت یک روز، برای یک کاسب، از مجازات جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال هم شدیدتر و زیان بارتر است.

نحوی اعتراض به رأی تعزیرات حکومتی در دعاوی تعزیرات، بدین صورت است که الزامی به ابطال تمبر یا پرداخت هزینه تجدید نظرخواهی وجود ندارد و تجدید نظرخواه میتواند اعتراض خود را به صورت یک لایحه و یا درخواست، بدون رعایت تشریفات، تقدیم کند.

لازم به ذکر است که مطابق با ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرایم قاچاق سازمان یافته و حرفهای کالا و ارز، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارزی که مجازات آن حبس یا انفصال از خدمات دولتی است، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است (شمس، ۱۳۹۱: ۲۲۷) و در غیر موارد مذکور، یعنی: سایر پروندههای قاچاق کالا و ارز که تخلف به شمار می‌آید، رسیدگی به آنها، در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.

۶- سنخ شناسی جرم تعزیری

مجازات‌ها در یک دسته‌بندی کلی به سه دسته اصلی، تکمیلی و تبعی، تقسیم می‌شوند؛ مجازات اصلی، مجازاتی است که حسب مورد و به طور خاص، در قوانین جزایی، برای هر جرمی پیش‌بینی می‌شود. قاضی می‌تواند برای تکمیل مجازات اصلی، مجازات دیگری را نیز در نظر بگیرد که در اصطلاح به آن، مجازات تکمیلی می‌گویند. مجازات تبعی نیز مجازاتی است که تبعاً، برای محکومیتی بار می‌شود و نیازی به قید آن در حکم دادگاه وجود ندارد. مجازات‌های تکمیلی و تبعی مجازات‌هایی است که به حکم قانون یا دادگاه با مجازات اصلی جمع می‌شوند و افزون بر مجازات اصلی، بر محکومان، اجراء می‌شوند؛ با این تفاوت که مجازات‌های تبعی، به تبع محکومیت و به حکم قانون، اعمال می‌شود و مجازات‌های تکمیلی، به تبع محکومیت، اما به حکم دادگاه تعیین می‌شوند. مجازات تکمیلی، زمانی مصادق پیدا می‌کند که قانونگذار، به

قاضی اجازه می‌دهد افزون بر مجازات اصلی، در کنار آن، مجازات‌های تکمیلی را نیز در رأی خود صادر کند (موسوی، ۱۳۹۷: ۸۴).

مجازات‌های تعزیری، قابلیت تبدیل به مجازات دیگر را دارند؛ بدین ترتیب که یکی از اشکال تخفیف مجازات، در صورت وجود جهات تخفیف، تبدیل آن، به مجازاتی است که از هر جهت، مناسبتر به حال متهم است. چنانچه جهات تخفیف، وجود داشته باشد، این امکان وجود دارد که حبس یا شلاق تعزیری را به جزای نقدی تبدیل کرد؛ مادهی ۳۷ قانون مجازات اسلامی، در خصوص تبدیل مجازات تعزیری، مقرر میدارد: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه میتواند مجازات تعزیری را به نحوی تقلیل دهد و یا تبدیل کند که به حال متهم مناسب‌تر است.

بر اساس این ماده، قاضی، در تبدیل یا تخفیف مجازات، مخیر است و البته، امکان تبدیل، صرفاً در صورت وجود جهات تخفیف، ممکن است. وفق تبصره‌های مادهی ۳۷ قانون مجازات اسلامی، تبدیل مجازات‌های تعزیری، مشروط به وجود جهات تخفیف است که در این صورت، قاضی میتواند، محکومیت فرد را از مصادره‌ی اموال، به جزای نقدی و از انفصال دائم، به انفصال موقت، تبدیل کند و یا مجازات تعزیری را به یک تا دو درجه، کاهش دهد و به مجازات تعزیری دیگری تبدیل کند.

در فقه جزای اسلامی، تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن، در شرع مقدس، تعیین نشده است و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل: حبس، جزای نقدی و شلاقی که میزان آن، از مقدار حد، کمتر است. تعیین مقدار تعزیر، به نظر حاکم شرع بستگی دارد که به اقتضای زمان و مکان، نوع گناه و مرتکب شونده‌ی آن، تفاوت می‌کند که البته، همواره، از حد، کمتر است (زینالی و احمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

مبنای جرم‌انگاری تعزیر، مصالح و منافع جامعه است؛ مانند: جرایم راهنمایی و رانندگی و جرایم مربوط به تعزیرات حکومتی. ناگفته نماند: هرچند نشانی از برخی جرایم تعزیری، در شرع دیده می‌شود، اما با این حال، در خصوص نوع و یا میزان مجازات آنها حرفی به میان نیامده است و تعیین آن، به حکومت، یعنی: قانونگذار جامعه، واگذار شده است؛ از جمله‌ی این جرایم، کلاهبرداری، رشوه و اختلاس است.

ملاک اصلی تعزیر، کمتر بودن آن نسبت به حد شرعی است. امروزه، مقدار و کیفیت تعزیر، به موجب قانون، تعیین می‌شود و دادگاه حکم تعزیری را با رعایت مقررات قانونی، صادر می‌کند. در تعزیر، شخصیت، وضع روحی و جسمی مجرم و زمان و مکان ارتکاب جرم، دخالت دارد، در صورتی که حد، ثابت است و نوعاً، شخصیت مجرم، تأثیری در میزان مجازات ندارد. در تعزیر، هدف، اصلاح و تأدیب مجرم است، اما به نظر میرسد که فلسفه‌ی اجرای حد، جلوگیری از تکرار جرم و دفاع از مصالح بنیادین جامعه است. تعزیر، با توبه ساقط می‌شود، اما نوعاً، در حد، توبه اثری ندارد؛ مگر اینکه توبه، قبل از حضور نزد قاضی باشد. تعزیر، قابل تخفیف و تعلیق است، اما در حد تخفیف و تعلیق ممنوع است (موسوی، ۱۳۹۷: ۹۱).

قانون مجازات اسلامی، تعزیر را به هشت درجه تقسیم کرده است؛ مجازات‌های درجه‌ی یک سنگین‌ترین و مجازات‌های درجه هشت، حاوی سبک‌ترین میزان کیفر هستند؛ بنابر این، هر چه از درجه‌ی مجازات کم‌تر شود، مجازات آن شدیدتر میشود؛ مجازات درجه‌ی یک شدیدترین حکمی است که برای یک مجرم صادر می‌شود. سبک‌ترین مجازات تعزیری نیز مجازات تعزیری درجه هشت است. در کنار تعیین درجات هشتگانه‌ی

مجازات، برخی احکام نیز در نظر گرفته شده است؛ مثل اینکه اگر نوع مجازات خاصی در این نوع مجازات‌های هشتگانه پیش بینی نشده باشد، جزو مجازات تعزیری درجه هفت است (شاه بیگی، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۵؛ زینالی و احمدی، ۱۳۸۳: ۲۳۰).

تخلفات موضوع رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی نیز در شمار و عداد جرایم تعزیری است و از این رو، در مادهی ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۴ شمسی، مقرر شده است که رسیدگی به جرایم قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای کالا و ارز، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است و رسیدگی به سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.

چنانچه پرونده‌ای، دارای متهمان متعددی است و رسیدگی به اتهام یکی از آنان، در صلاحیت مرجع قضایی است، به اتهامات سایر اشخاص متهم نیز در همین مرجع، رسیدگی می‌شود. در تبصره‌ی مادهی مذکور نیز آمده است در صورتی که پس از ارجاع پرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود که رسیدگی به جرم ارتكابی، در صلاحیت مرجع قضایی است، شعبه‌ی مرجع اولیه، مکلف است بلافاصله، قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند و پرونده را به مرجع قضایی ذیصلاح ارسال کند. این قرار، پس از تأیید مقام ما فوق شعبه، در سازمان تعزیرات حکومتی، و در صورت عدم اعلام نظر آن مقام، ظرف یک هفته، قطعی است.

توضیح اینکه مادهی مذکور، به قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای اشاره دارد و از این رو، قاچاق موردی را شامل نمی‌شود. قانونگذار، با اعلام اینکه رسیدگی به جرایم قاچاق سازمان یافته و حرفه‌ای کالا و ارز، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است، رسیدگی به سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داده است و بدین روش، در حقیقت، مرزی میان قاچاق کالا و ارز بر اساس میزان و نوع مجازات مشخص کرده است؛ بدین گونه که اگر مجازات جرم قاچاقی، حبس و انفصال از خدمت بود، موضوع در صلاحیت دادگاه انقلاب است و اگر مجازات آن، جزای نقدی است، موضوع در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.

۷- نتیجه‌گیری

ابتداء تعیین جرایم تعزیری، بر وجه سلبی، که آن را از شمار جرایم مستوجب مجازات حد، قصاص و دیه بیرون میدارد، این امکان را برای قانونگذار، فراهم می‌آورد که با رعایت موازین شرعی و بر اساس آموزه‌های فقهی، از آزادی عمل در جرم‌انگاری ناهنجاریها و کژروی‌های خطرناک، برخوردار باشد و نیز از شکلهای متناسب جدید برای تعیین مجازات آنها، استفاده کند. صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی، ناظر بر تخلفات در حوزه‌ی اصناف، فعالیت‌های اقتصادی و تغذیه و دارو است. در راستای سیاست کنترل دولتی امور اقتصادی و لزوماً، هماهنگی با مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن، کلیه امور بازرسی، نظارت، رسیدگی، صدور و اجرای حکم قطعی، اعم از بخش دولتی و غیر دولتی، به دولت، واگذار گردیده است، تا بر اساس جرائم و مجازاتهای مقرر در قانون تعزیرات حکومتی، اقدام کند.

رسیدگی به کلیه تخلفات موضوع قانون مذکور، در صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی است و طرق تجدید نظرخواهی از آرای صادره هم در آیین نامه‌ی مربوط انجام می‌یابد و سایر موارد تعزیری، در صلاحیت محاکم کیفری است که آنها به رسیدگی جرایم تعزیری و صدور حکم، اقدام کنند. در سنخ شناسی جرایم تعزیری که ذیل اختیارات محاکم کیفری است، نوع جرایم، شاخص‌ترین ویژگی تعیین، در نظر قرار می‌گیرد. مسأله‌ی دیگری که زیر بنای تفکیک و سنخ شناسی جرایم تعزیری در محاکم کیفری است و آن را از موارد رسیدگی ذیل صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی خارج می‌سازد، درجه‌بندی مجازات تعزیری، به درجات هشتگانه است. درجه‌بندی مجازات تعزیری، به دین دلیل صورت گرفته است که قاضی بتواند مجازات را تبدیل کند و تغییر دهد؛ افزون بر این، درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری مستند به شدت و حدت جرم، باعث می‌شود که مجازات‌ها به صورت فردی و متناسب با شخصیت مجرم و شرایط جرم تعیین شود.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، قاچاق کالا و ارز از دیدگاه حقوق کیفری ایران با تکیه بر مصوبه سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال دوم، شماره ۱۰، ص ۱۴۷-۱۶۹.
- رستمی غازانی، امید، (۱۳۹۶)، آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- زاهدی، عاطفه، (۱۳۹۴)، مجموعه قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی همراه با قانون تعزیرات حکومتی و آییننامه سازمان تعزیرات حکومتی، تهران، انتشارات جاودانه.
- زینالی، امیرحمزه، احمدی، علی، (۱۳۸۳)، سازمان تعزیرات حکومتی؛ از قضازدایی تا کیفر زدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه دیدگان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، ص ۲۲۷-۲۴۸.
- سالاریان، جهانبخش، (۱۳۹۸)، نظام دادرسی در تعزیرات حکومتی، تهران، انتشارات برتر اندیشان.
- شاه بیگی، ایمان، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی نهادهای رسیدگی کننده به تخلفات اقتصادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- شمس، عبدالله، (۱۳۹۱)، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، تهران، انتشارات دراک.
- صدر، سید محمد صادق، (۱۴۲۰ ق)، ماوراء الفقه، دارالأضواء، بیروت.
- طباطبائی بروجردی، سید حسین، (۱۴۲۹ ق)، جامع احادیث شیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- فاطمی، سید مجتبی، (۱۳۹۷)، تعزیرات حکومتی و تخلفات اقتصادی، تهران، انتشارات سنجش و دانش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۵ ق)، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهجره، قم.

- فیض‌اللهی، فرهاد، توسلی زاده، توران، (۱۳۹۶)، بررسی عملکرد سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد با جرایم گرانفروشی، کم‌فروشی و احتکار، تهران، انتشارات قانون یار.
- قاسمی، علی اکبر، (۱۳۹۵)، اصول حاکم بر دادرسی تعزیرات حکومتی و تاثیر آن بر فعالیتهای تجاری، تهران، انتشارات وارث.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، الکافی، دارالحدیث، قم.
- گلباغی ماسوله، سید علی جبار، (۱۳۹۶)، نظریهی داعی بر داعی در بوته تحلیل و نقد، جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره ۷، ص ۷۹-۵۷.
- گلباغی ماسوله، سید علی جبار، (۱۳۹۸)، چیستی شناسی ضمان از منظر فقه شیعه، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲۰، ص ۳۰۱-۳۲۴.
- گلباغی ماسوله، سید علی جبار، (۱۳۹۹)، واکاوی تاریخی قالب شناسی ضمان، آموزه‌های فقه مدنی، دورهی دوازدهم، شماره ۲۲، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- عسگری عیسی آبادی، یونس و یوسف زاده، علی، (۱۳۹۴)، رسیدگی در تعزیرات حکومتی و تفاوت آن با رسیدگی در محاکم دادگستری، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، تهران.
- مجلسی اول، محمد تقی، (۱۴۰۶ ق)، روضه المتقین، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ ق)، المختصر النافع، قم، موسسه مطبوعات دینی.
- محمد زاده، علی، اعظمی چهار برج، حسین، (۱۳۹۲)، نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی، تهران، انتشارات خرسندی.
- محمودی، ژیللا، (۱۳۹۷)، محدودیت‌های قانونی در تعزیرات حکومتی با رویکرد قاچاق بنزین و کالا، تهران، انتشارات قانون یار.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۳)، تعزیر و گسترهی آن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، تهران، انتشارات کیهان.
- موسوی، سید کاوه، (۱۳۹۷)، مجموعه قوانین تعزیرات حکومتی در نظم حقوقی کنونی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۲۷ ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- موسوی خمینی، روح الله، (بیتا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم.
- یعقوبی، عبدالهاشم، (۱۳۷۶)، روش رسیدگی عملی به پروندهها در شعب سازمان تعزیرات حکومتی، تهران، انتشارات فردوسی.